

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین – تلفن:۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شتر

دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴ • ۱۵ رجب ۱۴۴۷ • ۵ ژانویه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۹۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۷:۲۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

چرا دریاچه ارومیه به ثبات نمی‌رسد؟



مهدی زارع

حوضه پمپاژ می‌شود. با در نظر گرفتن نرخ رشد چاه‌ها، تخمین زده می‌شود در نیم‌قرن اخیر، بیش از ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب از آبخوان‌های اطراف دریاچه استخراج شده باشد. بنابراین این حجم عظیم، تقریباً معادل سه تا چهار برابر کل گنجایش دریاچه ارومیه در دوران پربابی – حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب– است. توجه کنیم که تغییرات تعداد چاه‌ها نشان‌دهنده فشار بی‌سابقه‌ای است که به زمین وارد شده است. در دهه ۵۰ شمسی از حدود ۱۰ هزار حلقه در دهه ۷۰، حدود ۴۰ هزار حلقه و در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۱۱۵ هزار حلقه رسیده است. بین «آب پمپاژشده» و «کسری مخزن» تفاوت است. بخشی از آب پمپاژشده دوباره به زمین نفوذ می‌کند، اما بخشی که هرگز جایگزین نمی‌شود –کسری مخزن– نگران‌کننده است، براساس گزارش‌های سال ۱۴۰۴، فقط در دو استان آذربایجان



یادداشت

ضرورت همدلی با نوجوانان



علی اصغر سیدآبادی

فرزند طلاق است و دیگری در کافه کار می‌کند و ظاهراً قرار است همین ویژگی‌ها به‌طور نامدین برجسته شود– با هیچ منطق اخلاقی قابل دفاع نیست.

نخستین گام در گفت‌وگو با نوجوانان همدلی با آنان است. من به عنوان یک بیننده اولین پرسشی که برابم پیش می‌آید این است که چرا دختری در آن سن‌وسال باید نیازمند کارکردن باشد؟ اگر در این سن‌وسال به ناچار کار می‌کند، احتمالاً ناشی از احساس مسئولیت

نخستین گام در گفت‌وگو با نوجوانان همدلی با آنان است. من

۱۲۱۰۰۰۰ موتورسوار

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از ثبت بیش از یک‌میلیون و ۲۱۰ هزار فقره اعمال قانون برای موتورسیکلت‌سواران در سه‌ماهه پاییز امسال خبر داد و با اشاره به مهم‌ترین تخلفات ثبت‌شده، افزود: عدم استفاده از کلاه ایمنی با بیش از ۵۴۶ هزار فقره همچنان در صدر تخلفات قرار دارد. عبور از محل ممنوع با بیش از ۱۴۴هزار و ۹۰۰ فقره از دیگر تخلفات پرترکار بوده است. عبور از خطوط ویژه نیز بیش از ۸۳۰هزار و ۸۰۰ فقره ثبت شده که موجب اختلال در حرکت ناوگان حمل‌ونقل عمومی می‌شود. پوشش یا مخدوش‌کردن پلاک با بیش از ۷۷هزار و ۷۴۰ فقره از تخلفاتی است که معمولاً برای فرار از قانون انجام می‌شود و برخورد با آن با جدیت ادامه دارد. همچنین عبور با توقف در پیاده‌رو با بیش از ۴۸ هزار فقره از تخلفاتی است که مستقیماً امنیت عابران پیاده را تهدید می‌کند.

طنزخوانی

با ما تعارف داری؟



آردین سیارسریع

با جماعت عجیبی طرف هستیم. چشم ندارند شادی مردم را ببینند. آمریکا را عرض می‌کنم. رفته‌اند رئیس‌جمهور یک مملکتی را انداخته‌اند داخل گونی آورده‌اند کشور خودشان، بعد نیویورک‌تایمز نوشته: رقص‌های مگر مادورو باعث بازداشت او شده است. نمی‌دانم چرا توجیه می‌کنند دوستان. اگر بنا به رقص بود که تا الان نصف رهبران دنیا باید زندان بودند. راحت باشید. تعارف را بگذارید کنار. بگویید دنبال نفت بودیم دیگر. یک روز می‌گویند مواد مخدر، یک روز می‌گویند باباکرم.

از چی می‌ترسید شما؟ بابا دنیا دیگر رودریاستی را کنار گذاشته. شما خودتان یک عمر گفتید دموکراسی و ارزش‌های جهانی و رفقتید در کشورهایی که اصلاً دموکراسی نمی‌خواستند مثلاً دموکراسی بردید. الان سر قضیه ونزوئلا محض تشکر از تلاش‌های دموکراسی‌گسترانه این ماجادوی بنده خدا یک اداره منابع طبیعی کاراکاس هم کف دستش نینداختید و دولت را دودستی تقدیم کردید به معاون مادورو. سر قضیه روسیه و اوکراین این‌همه گفتید روسیه شیطان است و رحم ندارد و بشردوستی حالی‌اش نیست و ارزش‌های غرب را زیر پا می‌گذارد. آخر اوکراین را تقدیم کردید.

سر قضیه سوریه گفتید این اسد فیغاباز رحم ندارد و حقوق بشر را به یک ورش گرفته و آخر این جولانی را آوردید به اصلاً با بشر زاویه دارد. لیبی و آن بهار عربی‌ها بماند که گفتید این دیکتاتورهای عربی مردم خاورمیانه را بدبخت کرده‌اند، مردم خاورمیانه باید به شیوه ما بدبخت شوند.

انتظاری که الان از شما داریم این است که صادقانه بناید بگویید گرفتاریم، می‌خواهیم دوباره کک توی تبنان خاورمیانه بیندازیم، نیاز به نفت داریم.

با کی رودریاستی دارید شما؟ قدرت جهانی هستی مثلاً. کمی از روسیه یاد بگیر که الکی بهانه نمی‌آورد که من می‌خواهم دموکراسی را در اوکراین حاکم کنم. خیلی صادقانه می‌گوید احساس می‌کنم یک بخشی از اینچا مال منه و وارد عمل می‌شود. حالا شاید بگویید ما این‌همه سال به مردم خودمان گفته‌ایم ما برای امر خیر و دموکراسی و حقوق بشر دخالت می‌کنیم در کشورهای دیگر و الان مردم انتظار دارند از ما.

این هم عرض کنم خدمت‌ک که صحبت‌هایی از این دست سال طبقه متوسط و دانشگاهی جماعت است. طبقه متوسط را مثل –حالا نام نمی‌برم کدام کشور– از بین ببر و خودت را خلاص کن. راحت برو رئیس‌جمهور کشورها را بدزد ببر کشور خودت، آن وقت ببینم کی می‌خواهد حرف بزند.

پیشنهادخوانی

از کج‌خوانی تا لج‌خوانی

نشست گفت‌وگو درساره کتاب «از کج‌خوانی تاریخ تا لج‌خوانی تاریخ: خوانش عکس‌عملی تاریخ و کاستی‌های آن» سه‌شنبه ۱۶ دی در شهرکتاب مرکزی برگزار می‌شود. در این نشست، هادی خانیکی، محمد رهبری، مقصود فراستخواه و حسین علائی حضور دارند. به‌باور نویسنده، کج‌خوانی تاریخ پروژه‌ای آگاهانه، بسته و غیرقابل گفت‌وگو است. اما لج‌خوانی تاریخ –با همه محدودیت‌ها– می‌تواند امکان نقد، گفت‌وگو و بازاندیشی را زنده نگه دارد. این کتاب تلاشی است برای گشودن راه یک گفت‌وگوی انتقادی، شیرین و جذاب درباره تاریخ و خوانش‌های آن. نویسنده کتاب، دکتر عبدالمحمد کاظمی‌پور، جامعه‌شناس و پژوهشگر شناخته‌شده، تاکنون ۱۲ کتاب به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر دو جایزه معتبر از انجمن‌های علمی کانادا دریافت کرده و ریاست انجمن جامعه‌شناسی کانادا را در کارنامه علمی خود دارد. او پیش‌تر همراه دکتر محسن دودزوی کتاب «چه شد؟: داستان افول اجتماع در ایران» را در نشر اگر منتشر کرده بود که با استقبال گسترده روبه‌رو شد. این نشست ساعت ۱۶ آغاز می‌شود و حضور علاقه‌مندان امکان‌پذیر است.



سفر خوانی

جنون سال نو در کلن

علی‌مرسلی

کنار رود راین هستیم. یک ساعت دیگر وارد سال ۲۰۲۶ می‌شویم. مردم در امتداد راین جمع شده‌اند و هر لحظه فشفشه و ترقه‌ای در هوا منفجر می‌شود. «مردم» به شکلی جنون‌آمیز سال نو را جشن می‌گیرند؛ حتی کاهی نازنچک‌های دستی را زیر پل‌ها و میان جمعیت منفجر می‌کنند و بلافاصله با واکنش سریع و بسیار جدی پلیس آلمان روبه‌رو می‌شوند. اما کدام مردم؟ اینجا انکار همه «خارجی»‌اند: ترک، عرب، ایرانی یا روس و اوکراینی. در میانه خیابان هوهن‌زولرنرگ، جوانانی که اغلب مهاجر هستند، ترقه و فشفشه منفجر می‌کنند. پلیس خیابان را بسته و مشغول بازداشت چند قانون‌شکن است. هوهن‌تسولرن‌ها–که نام خیابان از آنها گرفته شده– خاندان سلطنتی پروس بودند. این مسیر زمانی بخشی از دیوارهای دفاعی کلن بود؛ امروز اما به خیابانی تبدیل شده پر از بار (کلوب‌های شبانه) و رستوران؛ جایی که جوانان زیادی سال نو را در صف این بارها تحویل می‌کنند. تحویل… چه واژه عجیبی. اینجا ساعت ۱۲ شب، سال در سرمای جان‌سوز کلن فقط «عوض» می‌شود و فرد روز دیگری آغاز می‌شود. تحویل و تحولی در کار نیست؛ به‌خصوص برای مهاجران خاورمیانه‌ای که اکثریت جمعیت حاضر در خیابان‌ها را تشکیل می‌دهند. پس چه فرقی می‌کند نوشیدنی به دست، در صف ورود به کلوب شبانه بایستی یا در میان دود و صدای فشفشه‌ها وسط خیابان؟ وقتی نه به سر زمین، نه به عوض‌شدن سال و نه حتی به طبیعت تعلقی داری –یا دست‌کم این تعلق از تعلقات قبلی‌ات کمتر است–

دیگر مهم نیست کجا ایستاده‌ای. گروه موسیقی رامشتاین آهنگی دارد به نام Ausländer (خارجی). در این آهنگ از مسافر یا توریستی گفته می‌شود که به کشورهای مختلف سفر می‌کند، از هر زبان چند کلمه یاد می‌گیرد، موقتاً عاشق می‌شود و بعد راهی مقصدی دیگر می‌توان این ترانه را کنایه‌ای بیش‌دار به صنعت توریسم دانست یا حتی به استعمار غرب؛ سطحی، گذرا و بی‌ریشه. اما حالا این «اوس‌لندر»‌ها–ما– در شب سال نو کلن ایستاده‌ایم؛ شادمانی مصنوعی عوض‌شدن سالی که قرار نیست چیزی برابمان در آن عوض شود. آلمانی‌های وستفالن هم البته دست‌کمی از ما ندارند؛ آنها هم سال نو را کم‌ابیش به همین شکل جشن می‌گیرند. ترقه و ایجاد سروصدا رسمی ژرمنی پیشامسیحی است برای ترساندن ارواح خبیث. باین‌حال، به‌طور سنتی خانواده‌ها شب را دور هم می‌گذرانند و غذای ساده‌ای می‌خورند. در همین کلن و منطقه وستفالن، تا قرن هجدهم سال نو در بهار آغاز می‌شد و ۲۵ مارس –عید بشارت– روز تغییر سال بود. اما جابه‌جایی آغاز سال از بهار طبیعت به زمستان تاریک، به دستور دولت و همراه با دولت‌سازی و امپراتوری‌سازی رخ داد. وقتی امپراتوری مقدس روم جای خود را به دولت–ملت‌ها داد، تقویم دولتی هم جایگزین تقویم مذهبی و سنتی شد. پروتستان‌ها، به‌ویژه کشاورزان پروتستان، مقاومت بیشتری در برابر این تغییر نشان دادند، اما زور «دولتی‌شدن» بیشتر بود. تا نزدیک صبح صدای ترقه و فشفشه قطع نمی‌شود. جوانان زیادی در خیابان هستند و میان باشگاه‌های شبانه جابه‌جا می‌شوند. ماشین‌های شهرداری کلن، ریخت‌وپاش‌های شب قبل را با سرعت می‌زدایند تا شهر برای روزی تازه و– برای فراموش‌کردن جنون شب گذشته– آماده شود.

اتفاق خوانی

خطر رسیدهای خرید

همه این سال‌ها فکر می‌کردیم خطر رسیدهای خرید فقط به خالی‌شدن جیب‌ها و حساب‌هایمان منتهی می‌شود، حالا معلوم شده که اشتباه کردیم. به‌تازگی یک کارشناس اداره آزمایشگاه کنترل غذا و دارو به ایسنا گفته است این رسیدها مصادفای دارند که هورمون‌های بدن را دچار مشکل می‌کنند. دکتر سوگند کاخکی گفت: «در رسیدهای خرید، بانکی و پارکینگ‌ها از بیسفنول‌ها برای ظاهرشدن رنگ استفاده می‌شود و از طریق تماس پوستی جذب بدن می‌شوند. این موضوع برای کارکنان فروشگاه‌های که روزانه با حجم زیادی از رسیدها سروکار دارند، یک ریسک شغلی است. بیسفنول‌ها می‌توانند تعادل هورمونی بدن را برهم بزنند و پیامدهای جدی برای سلامت افراد داشته باشند. این مواد در زندگی روزمره ما حضور دارند و اغلب بدون آگاهی با آنها مواجه می‌شویم.»